

۱۳۹۱  
 ۹۷۱۹  
 ۹۷۱۹  
 ۹۷۱۹  
 ۹۷۱۹

کاترین آن پورتر

# بین کبیر

مترجم: مجتبی ویسی



- 1. Katherine Anne Porter
- 2. Inayatullah Khan
- 3. Silver Spring
- 4. Calicut

## مقدمه مترجم

کاترین ان پورتر<sup>۱</sup>، داستان‌نویس، مقاله‌نویس و روزنامه‌نگار آمریکایی در پانزدهم مه ۱۸۹۰ در ایندی‌ین کریک<sup>۲</sup> ایالت تگزاس متولد شد و در سال ۱۹۸۰ در ناحیه سیلور اسپرینگ<sup>۳</sup> در ایالت مریلند درگذشت. او با نام واقعی کالی راسل پورتر یکی از پنج فرزند هریسون بون پورتر و مری آلیس جونز بود. دو سال پس از تولد او، مادرش فوت کرد و به همین دلیل مادر بزرگش کاترین<sup>۴</sup> آن پورتر وظیفه سرپرستی و نگهداری از فرزندان پسرش را تا زمان مرگ (۱۹۰۱) بر عهده گرفت و چنان تأثیر عمیقی بر آنان گذاشت که کالی راسل بعدها نام او را فقط با تغییر حرف اول بر خود نهاد.

خانواده کاترین پس از مرگ مادر بزرگ مدام در شهرهای مختلف دو ایالت تگزاس و لوئیزیانا در حال نقل مکان بودند و به همین علت کاترین نتوانست تحصیلات منظمی داشته باشد ولی او به طور پراکنده و متفرقه در چند مدرسه، از جمله مدرسه توماس در سن آنتونیو درس خواند و با فراگیری هنرهای نمایشی، فن بیان، آواز و رقص توانست

1. Katherine Anne Porter  
3. Silver Spring

2. Indian Creek  
4. Catherine

بعدها از راه تدریس، کمک‌خرجی برای خانواده باشد. وی در سال ۱۹۰۶ با مردی به نام جان هنری کونتز ازدواج کرد ولی این وصلت در سال ۱۹۱۵ به دلیل رفتار بد شوهر و فحاشی‌های او به طلاق انجامید. کاترین پس از آن سه بار دیگر ازدواج کرد اما هیچ‌گاه صاحب فرزند نشد، ضمن آن‌که پس از جدایی از آخرین شوهرش در سال ۱۹۴۲، باقی عمر مجرد ماند.

در سال ۱۹۱۵ علایم بیماری سل را در او تشخیص دادند و کاترین به ناچار دو سال را در آسایشگاه به سر برد. از آن پس به نوشتن مطالب اجتماعی و معرفی و بررسی کتاب رو آورد و در سال ۱۹۱۸ برای کار در نشریه *راکی ماونتین نیوز*<sup>۱</sup> به دنور رفت که نزدیک بود همان جا در جریان اپیدمی آنفلوآنزا در منطقه جاننش را از دست بدهد. این تجربه تلخ دستمایه‌ای شد برای خلق داستانی به نام «اسب هراسان، سوار هراسان»، که بعدها نوشته شد.

در سال ۱۹۲۱ دیگر روزنامه‌نگاری موفق بود، به نیویورک رفت و آن‌جا به نوشتن آثار ترسناک، داستان‌های کودکان و همچنین کارهای تبلیغاتی برای یک شرکت فیلم‌سازی پرداخت. زندگی در نیویورک نگرش سیاسی او را از بنیان تغییر داد و تأثیر ماندگاری بر ذهن او گذاشت.

در فاصله سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ مدام بین نیویورک و مکزیکو در سفر بود و علاوه بر کارهای رایج روزنامه، موفق شد آرام آرام داستان‌های کوتاهش را بنویسد و منتشر کند. اولین مجموعه داستانش با عنوان *یهودای شکفته و داستان‌های دیگر* در سال ۱۹۳۰ به چاپ رسید که با استقبال فراوان منتقدان روبرو شد و جای پای این بانوی تازه از راه رسیده داستان‌نویس را در حوزه ادبیات آمریکا محکم کرد.

از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۶ به اروپا رفت و چند صبحی را در شهرهای برلین، باسل و پاریس به سر برد. پس از بازگشت، هرازگاهی در یک ایالت اقامت گزید، از جمله در پنسیلوانیا، نیویورک و نیواورلئان، و در طول همین دوران داستان‌های کوتاه بسیار ارزشمندی نظیر «شراب نیمروز»، «روایت کهن فناناپذیری» و «گور» را نوشت که محل وقوع روایت‌های آن‌ها همه در ناحیه مرکزی تگزاس بود. برج کج<sup>۱</sup> را نیز که اتفاقاتش در شهر برلین می‌گذرد، در سال ۱۹۴۴ در نیویورک منتشر کرد. در سال ۱۹۴۵ در هالیوود به فیلمنامه‌نویسی پرداخت و کار بر رمان معروفش *کشتی/احمق‌ها*<sup>۲</sup> را نیز از همین سال آغاز کرد.

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ در دانشگاه‌های استنفورد، میشیگان، واشنگتن، تگزاس و لیژ بلژیک تدریس کرد. در سال ۱۹۵۹ برای تکمیل رمان *کشتی/احمق‌ها* به واشنگتن دی‌سی نقل مکان کرد ولی آن را در سال ۱۹۶۱ در بوستون به اتمام رساند و کتاب روز اول آوریل سال ۱۹۶۲ به چاپ رسید. این کتاب با فروشی بسیار عالی، شهرتی جهانی برایش به ارمغان آورد و خیال او را از بابت امور مالی کاملاً راحت کرد. داستان *کشتی/احمق‌ها* در باره گروهی افراد ناهمگون و متفاوت با هم است که با یک کشتی نیمه‌باری- نیمه‌مسافری از مکزیک اعزام آلمان هستند. این رمان، روایتی است از ظهور نازیسم، البته به صورت هجو، ضمن آن‌که حرکت جهان در سفر به سوی ابدیت، در آن با زبانی استعاری به تصویر کشیده می‌شود.

مجموعه داستان‌های برگزیده پورتر در سال ۱۹۶۵ به چاپ رسید که جایزه نخست داستان انجمن ملی هنر و ادبیات، جایزه پولیتزر و جایزه کتاب ملی را نصیب وی کرد. پورتر از دهه چهارم تا دهه شصت پیوسته، در آثار یا اظهارنظرهایش، علیه توتالیتاریسم سخن می‌گفت و همواره یکی از مخالفان سرسخت افراط‌گرایی‌های سناتور جوزف

1. *The Leaning Tower*2. *Ship of Fools*1. *Rocky Mountain News*